

بررسی نثر متعهدانه فارسی در دوران انقلاب اسلامی

تاریخ دریافت مقاله: مرداد ۱۳۹۸

تاریخ پذیرش مقاله: شهریور ۱۳۹۸

ابوالقاسم بهزادی گودی^۱

^۱دانش آموخته دکتری، زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید باهنر، کرمان

نویسنده مسئول:

ابوالقاسم بهزادی گودی

چکیده

نثر فارسی در ایران، از گذشته تاکنون توانسته است برای حفظ هویت فرهنگی کشور که شامل هویت ملی و دینی می‌شود، نوعی دگرگونی در مضامین متون ادبی ایجاد کند که احساسات مخاطبان را در جهت پایداری در برابر انحرافات دینی، سیاسی، اجتماعی و غیره برانگیزد. در دوران انقلاب اسلامی نیز نثر فارسی همسو با اهداف مردمی و انقلابی، وظیفه خود را در جهت تقویت هویت ایرانی و اسلامی با فراز و نشیب‌هایی ادا می‌کند. در این دوران، با رشد بنیان‌های فکری و مذهبی، شاهد بلوغ و تکامل نثر پایداری نیز هستیم به طوری که در آثار این دوره، شاهد مضامین پایداری جدیدی با رویکرد مذهبی هستیم و نویسندگان این عصر، با پررنگ کردن ابعاد مذهبی در کنار مظاهر ملی‌گرایانه، دوره‌ای جدید را در تاریخ ادبیات رقم زدند. در دوران انقلاب اسلامی، با شروع جنگ تحمیلی، شاهد شکل‌گیری ادبیات دفاع مقدس هستیم که این امر بر تکامل نثر پایداری نقش وافر داشته است. در این مقاله سعی شده است بر اساس روش کتابخانه‌ای و سندکاوی، نثر فارسی را در دوران انقلاب اسلامی از نظر عنصر تعهد بررسی کنیم و به بیان گرایش‌های فکری نویسندگان این دوران بپردازیم و آن‌ها را مورد تقسیم‌بندی قرار دهیم.

کلمات کلیدی: نثر فارسی، تعهد، پایداری، انقلاب اسلامی، دفاع مقدس.

۱- مقدمه

انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسید و آشیانه رژیم منحوس قبلی از هم گسسته شد. امام خمینی برای اینکه نشان دهد که انقلاب اسلامی را مردم خواسته‌اند نه به زور به آنان تحمیل شده است، روز دهم فروردین سال ۱۳۵۸ مردم را در یک همه‌پرسی دعوت کرد که مردم با اکثریت آرا (بیش از ۹۸ درصد) به جمهوری اسلامی رأی دادند. دولت بعثی عراق که قبل از وقوع انقلاب اسلامی، با ایران بر سر مسائل مرزی و قرارداد ۱۹۷۵، دشمنی داشت و همواره خود را مغبون این قرارداد می‌پنداشت، پس از وقوع انقلاب اسلامی با این تصور که ایران، دیگر آن کشور سابق نیست بلکه به دلیل درگیری‌های حاصل از برپایی انقلاب، متزلزل شده است، چنین پنداشت که فرصت مناسبی برای شکست این کشور رقم خورده است. نگرانی صدام و هم‌پیمانانش، جز مسائل مرزی، بیشتر از هرچیزی، استیلاي انقلاب اسلامی بر دیگر ملل بود که این سخن را امام خمینی (رحمه الله علیه) به صراحت بیان نموده بود که «ما، انقلاب خود را به سایر ملل صادر می‌کنیم.»؛ بر پایه چنین اندیشه‌هایی، عراق در ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹ به مرزهای ایران حمله کرد که نتوانست پس از درگیری‌های فراوان، برخی شهرهای مرزی را محاصره کند. به تدریج هر یک از دو کشور توانستند در عملیات‌هایی پیروز شوند. کشور ایران که در آغاز جنگ، درگیر مسائل داخلی پس از وقوع انقلاب اسلامی بود، نوعی هرج و مرج داخلی را پشت سر می‌گذاشت و هنوز در داخل کشور بسی مسائل بود که نازل باقی مانده بود و این چنین بود که دشمن از اوضاع پیش آمده سوء استفاده نمود و به کمک آمریکا و متحدش، شوروی که ایران را دشمن خود می‌نامید، جنگی سخت را شروع کرد و توانست تا حدودی بدون مانع به مرزهای کشور حمله کند. با دستور امام خمینی و خشم نیروهای مردمی، نوعی اتحاد بین نیروهای انقلابی شکل گرفت و اکثر نیروها، داوطلبانه عازم جبهه شدند که توانستند حماسه‌ای مقدس را رقم بزنند که برکات و دستاوردهای فراوانی را به ارمغان بیاورند و تا تاریخ، تاریخ است. چنین جنگی را فراموش نخواهد کرد. این جنگ، ناخواسته و یک‌طرفه از سوی دشمن شکل گرفت بنابراین جهاد در برابر هجوم دشمن و دفاع از استقلال سرزمین، سرلوحهٔ بینش غیرتمندانی ایرانی قرار گرفت. با اینکه دشمن از هر حربه‌ای برای تضعیف کشور ایران استفاده می‌کرد، اما نیروهای ایرانی شجاعانه جنگیدند و در نهایت به پیروزی رسیدند. یکی از بسترهایی که این وقایع را به صورت‌های گوناگون در دل خود جای داده است، نثر فارسی است. نثر فارسی در این دوران توانسته است رویدادهای انقلابی و دفاع مقدس را ثبت کند و مخاطب را درگیر زوایای پنهان آن دوران کند به طوری که توانسته است تا حدودی رسالت اجتماعی خود را در جهت تعهد در برابر مردم، به خوبی انجام دهد. در این مقاله سعی شده است به بررسی این نوع نثر بپردازیم.

۲- بحث

- نثر فارسی در دوران انقلاب اسلامی و دفاع مقدس

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ادبیات معاصر ایران فصل جدیدی را آغاز کرد. در سال ۱۳۵۸ برخی شاعران و نویسندگان معاصر، حوزهٔ اندیشه و هنر اسلامی را پدید آوردند و بر نقش دین بر ادبیات افزودند. پس از یک سال نیز ادبیات دفاع مقدس را پدید آوردند و داستان‌های انقلابی جای خود را به داستان‌های دفاع مقدس داد و این رویکرد در سال ۱۳۶۹ به نقطهٔ کمال خود رسید. بنابراین در فاصله اندکی پس از وقوع انقلاب اسلامی، با دو رویکرد برجسته و مهم در عرصهٔ ادبیات رو به رو هستیم؛ ادبیات انقلاب اسلامی با رنگ دینی و ادبیات دفاع مقدس؛ که هر دو مکمل یکدیگرند.

ادبیات دینی بعد از انقلاب اسلامی جانی دوباره گرفت. خصوصیات این نوع ادبیات عبارتند از: تعهد و التزام، توجه به عالم غیب و شهادت، توجه به انسان و خصوصیات انسانی.

«شاید بتوان گفت که تفاوت اساسی و بنیادی داستان اسلامی با داستان‌های غیراسلامی، در تفاوت نگرش دو مکتب به هستی و انسان است. داستان اسلامی هیچ چیز را مستقل بالذات نمی‌بیند و همه چیز را در ارتباط با خالق هستی طرح می‌کند؛ هر چند به شکل غیر مستقیم باشد» (سرشار، ۱۳۹۰: ۴۹).

هنرمندان متعهد با نوشتن داستان دینی، نوعی حس دینی درون افراد ایجاد می‌کنند تا به این طریق، بتواند بر شخصیت فرد تأثیر بگذارند.

«هنر دینی، حاصل کارکرد دیندارها نیست؛ محصول حس دینی است. عقیده و ایمان اگر وارد خون هنرمند شده باشد، بدون خواست او در اثرش جاری می‌شود و بر خواننده هم تأثیر می‌گذارد» (دستغیب، ۱۳۷۶: ۴۳).

نویسندگان پس از انقلاب اسلامی برای پر بار کردن ادبیات دینی خود، به مضامینی چون انقلاب، دفاع مقدس، شهادت‌طلبی، پرداختن به داستان‌های بزرگان دینی و ... توجه داشتند.

این مضامین در دهه‌های اخیر و با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و وقوع جنگ تحمیلی هشت ساله، بیشتر در ادبیات داستانی جلوه‌گر شد.

برای مثال مبارزهٔ ائمهٔ معصومین در برابر ستمگران و زورگویان تاریخ، جزو این دسته از ادبیات دینی نویسندگان قرار دارد. واقعهٔ عاشورا، بزرگترین مبارزهٔ حق و باطل است که توانسته است در بین متون ادبی فارسی جایگاه برجسته‌ای داشته باشد. از جمله داستان‌هایی که با این مضمون نگاشته شده است، کتاب «نامیرا» و کتاب شماس شامی هستند که هر دو مضمون فاجعه کربلا را دارند.

رشد ادبیات داستانی بعد از انقلاب اسلامی چشمگیر است به طوری که در این عرصه، بسی نویسندگان تازه‌نویس نیز وارد شدند و توانستند آثاری بنویسند که هر چند از ارزش ادبی زیادی برخوردار نبودند ولی انقلاب اسلامی در مضامین آثار آنان تحولی جدی ایجاد کرده بود که متفاوت با مضامین دورهٔ قبل از خود بود و این امر باعث شده بود که دروازه‌های جدیدی در پیش روی بینش نویسندگان باز شود.

«آثار داستانی که از یکی دو دهه پیش از انقلاب مورد اقبال قرار گرفته بود، به فاصله دو سه سالی پس از انقلاب با سرعت روز افزونی رو به گسترش نهاد؛ به طوری که تقریباً آثار داستانی دهه ۶۰، از نظر کمی با همهٔ آثار پدید آمده در نیم قرن پیش از آن برابری می‌کند. یکی از دلایل گسترش ادبیات داستانی در این دهه، می‌تواند این باشد که انقلاب در مسیر تکامل داستان نویسی که از دهه‌های پیش آغاز شده بود، نه تنها وقفه‌ای پیش نیاورد بلکه تجربه‌های بدیع و بی‌سابقه‌ای در اختیار پویندگان این دهه قرار داد که در تصور نویسندگان نسل پیشین هم نمی‌گنجید» (یاحقی، ۱۳۷۸: ۳۰۰).

نثر فارسی در مجموع، از دورهٔ مشروطه تا پیروزی انقلاب اسلامی، کمتر هویت ملی دارد. منظور از هویت ملی، ظهور و بروز تمام ویژگی‌های ناب متأثر از فرهنگ، دین، زبان، نژاد ایرانی، اعتقادات و آداب و رسوم اسلامی در نثر ادبی است. به طوری که این ویژگی‌ها، بتواند تأثیر خود را در تمام شئون زندگی مردم بگذارد. نثر فارسی قبل از انقلاب، غرب‌زده، شبه‌روشنفکر، غیراصیل و مملو از خودباختگی در برابر فرهنگ بیگانه بود. به همین دلیل شاهد ایجاد موجی در عرصهٔ ادبیات منثور این دوره توسط نویسندگان که خود نیز طعم مرارت‌ها و سختی‌ها را کشیده‌اند، نیستیم. با پیروزی انقلاب اسلامی، در نثر فارسی نیز مطابق با اهداف انقلاب اسلامی، تغییراتی شکل گرفت و شاهد موجی جدید در عرصهٔ نثر فارسی هستیم. به طوری که آثار خلق شده در این دوران، متفاوت با نثر دورهٔ قبل هستند و به ادبیات قبل از انقلاب و بیگانه، بدهی تقلید ندارند و به سوی شکل‌گیری ادبیات بومی براساس تکنیک‌ها، ساخت‌ها و محتوای ملی پیش می‌روند.

«بعد از پیروزی مردم در ۲۲ بهمن ۵۷، معدودی از نویسندگان نسل پیشین و جمعی از نویسندگان نسل انقلاب، بر آن شدند تا ضمن بهره‌گیری متناسب از تمام فنون تجربه شده در عرصهٔ ادبیات داستانی جهان، به کنکاش در میراث‌های کهن داستان ملی و دینی کشور نیز بپردازند و از تلفیق و ترکیب حساب شدهٔ آن شگردها، داستان ایرانی را پی بریزند» (سرشار، ۱۳۷۳: ۱۲).

در سال‌های ابتدایی انقلاب اسلامی، به دلیل جریان تند حوادث پس از انقلاب، آثاری که در زمینهٔ نثر ادبی نوشته می‌شدند، اغلب رویکرد اسلامی و مارکسیستی داشتند. این نوع ادبیات که از دههٔ پنجاه با خصلت مبارزه جویی ادامه حیات داده بود، تا این زمان توانسته بود از الگوهای اجتماعی، کارگری و کشاورزی نیز استفاده کند و اغلب آثار ادبی در حوزهٔ نثر انقلاب اسلامی، سیاسی و اجتماعی و اندکی تاریخی بود.

بعد از پیروزی انقلاب، هنوز خرابکاری‌های رژیم گذشته سروسامان نگرفته بود که جنگ تحمیلی شروع شد و این فرصتی بود برای گروه‌های وابسته به غرب یا شرق که فعالیت سیاسی خود را بیشتر کنند بنابراین آثار خود را در همین سال‌ها چاپ کردند و شاهد آثار مارکسیستی فراوانی از این نویسندگان هستیم. اما دیری نپایید که مشخص شد نوشته‌های آنان جز شعار و عوام فریبی چیزی نیست. بعد از شکست فعالیت این گروه، نویسندگان جدیدی از نسل انقلاب وارد عرصه داستان‌نویسی شدند.

در دههٔ اول پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شاهد داستان‌نویسی منطقه‌ای و بومی نیز هستیم؛ اغلب داستان‌های نوشته شده، مربوط به یکی از مناطق ایران هستند و نویسندگان نیز سعی کرده‌اند ویژگی‌های بومی مناطق خود را در اثرشان نشان دهند. این آثار کوشیده‌اند جامعه و مردم خود را بی‌واسطه و آن طور که واقعاً هستند، نشان دهند. بر همین اساس، به تدریج گونه‌ای از واقعیت‌گرایی در آثار نویسندگان شکل می‌گیرد که از جهان مادی نیز فراتر رفته و وارد عوالم فراواقعی شده است که می‌توان از آن به عنوان واقع‌گرایی اسلامی نام برد.

به طور کلی «مشخصه‌های زبانی و بیانی و سبکی داستان‌های بعد از انقلاب عبارتند از:

۱- اکثراً زبان و بافت زبان، ساده و مردم فهم است و معمولاً از زبان استعاره‌ی پرهیز می‌شود.

- ۲- در زبان و فرهنگ داستان، طنز و عناصر عامیانه وارد شد که مخصوص جبهه است.
- ۳- این داستان‌ها، بیشتر رئالیستی‌اند و از سوررئالیسم یا سبک‌های دیگر در این آثار، کمتر می‌توان سراغ گرفت. جنبه‌های اعجاز‌آمیز آن هم نزد آدمی که باور دینی دارد، غیر واقعی نیست.
- ۴- فقدان پلات و تکنیک‌های معهود در آن‌ها، جز آثاری معدود. برخی جای خالی تکنیک را با حوادث عاطفی و احساسی پر می‌کنند.
- ۵- لحن تراژیک و برانگیختن ترخم و عاطفه. تراژیک‌نویسی دارای دو مؤلفه عاطفی و پایانی غم‌انگیز است و از تزکیه، اشتباه، تقدیر و دیگر عناصر کلاسیک که حضورشان در داستان امروز بی‌فایده می‌نماید، خالی است.
- ۶- واژگونی و تغییر شخصیت‌ها و قهرمانان در داستان‌های متعهد دیده نمی‌شود؛ مگر به سوی حق که انسان‌ها اراده پولادین در راه او دارند و ضد قهرمان یا معارض کمتر اصلاح می‌شود. این‌گونه شخصیت‌ها را به عنوان شخصیت‌های ایستا در برابر شخصیت‌های پویا معرفی کرده‌اند.
- ۷- درگیری تعهد، ایدئولوژی و تفکر اساطیری با بینش‌های الحادی و جانبداری نویسنده در رمان و داستان» (تسلیمی، ۱۳۸۳: ۳۰۷).
- پس از انقلاب، در عرصه داستان کوتاه نیز شاهد پیشرفت‌های چشمگیری هستیم.
- «از جمله اقدام‌های مؤثر و مثبتی که پس از انقلاب برای رونق بازار ادبیات داستانی صورت گرفت، راه اندازی جُنگ‌ها، نشریه‌های ادبی و یا صفحه‌های ویژه این مقوله در روزنامه‌ها و مجلات بود. البته این صفحه‌های ویژه، عمدتاً به سبب تصدّی سرپرستی آن‌ها توسط افراد بی‌تجربه و مبتدی یا باندک‌های جوان، تقریباً هرگز نتوانستند موجد جریان‌های اصیل و سازنده در عرصه ادبیات داستانی شوند» (سرشار، ۱۳۹۰: ۱۰۵).
- در کنار پرداختن به موضوعات ناب انقلابی پس از انقلاب اسلامی، برخی از نویسندگان متعهد، در بین داستان‌های خود، نوعی فضای تلخ را ترسیم می‌کنند. به طوری که سراسر خشونت و خونریزی و تلخی را رواج می‌دهند. این امر به خصوص پس از رحلت امام خمینی (رحمه الله علیه)، بیشتر نمود پیدا کرد. اگر هم اثری از انقلاب یا ارزش‌های اعتقادی سابق در برخی آثارشان مشاهده می‌شود، یا جنبه‌های حاشیه‌ای و فرعی و کمرنگ شده دارد و یا از موضعی مخالف و انتقادی است. تعداد قابل توجهی از داستان‌های بعد از انقلاب، قهرمان اصلی آن‌ها، نویسنده، شاعر، روزنامه نگار یا به طور کلی شبه روشنفکرانند. حجم این آثار به حدّی چشم‌گیر و در مقایسه با نمونه‌های مشابه پیش از انقلاب، به اندازه‌های زیاد است که به راحتی می‌توان آن را یک عارضه یا پدیده ویژه در ادبیات داستانی این دوران از تاریخ کشور دانست. ضمن آنکه تعداد قابل توجهی از این داستان‌ها با بهره‌گیری از برخی عناصر داستان‌های پست‌مدرن، در نهایت، شکلی پسامدرن به خود گرفته‌اند (سرشار، ۱۳۹۰: نقل به تلخیص). آثار این نویسندگان، فاقد ارزش‌های اعتقادی و مردمی هستند. به طوری که بدون نشان دادن هیچ راه حل و بینشی به خواننده، فقط در عالم داستان خود سرگرم هستند و ماهیت آن‌ها، به دور از تعهد و التزام و آرمان‌گرایی انقلاب است. این آثار، به دلیل نداشتن بینش جامعی از مکتب اسلامی، بیشتر مسلمانی هستند نه اسلامی.
- «یکی از آفت‌هایی که پیش از انقلاب، به جان هنرمندان و نویسندگان لائیک کشور افتاد و سبب شد برخی از آن‌ها برای دستیابی به آن، خود را به هر آب و آتشی بزنند، میل شدید به استقبال از آثارشان در دیگر کشورهای جهان، خاصه غرب بود. این گرایش، در سال‌های پس از پیروزی انقلاب نیز به شدت در این طیف وجود داشت. تا آنکه از اواخر دهه ۶۰ - مشخصاً پس از پذیرش آتش‌بس در جنگ تحمیلی و ارتحال حضرت امام (رحمه الله علیه) - این آفت، به تدریج به جان برخی از نویسندگان و هنرمندان خودی در حال استحاله نیز افتاد. بعضی از این عده، البته، بعدها از سوی برخی جشنواره‌ها و مراکز شبه فرهنگی خارجی نیز مورد تشویق‌ها و نوازش‌هایی قرار گرفتند اما در اغلب موارد، این جوایز و تشویق‌ها، به سبب قوت، غنا و سازندگی آثار این عده نبود. بلکه اغلب به این سبب بود که آنان در آثارشان، ناجوانمردانه و به دروغ، تصویری بسیار سیاه، عقب افتاده، فلاکت‌بار، فقیرانه، خشن و غیرانسانی از جامعه ایران پس از انقلاب عرضه می‌کردند و این آثار، برای دستگاه‌های جاسوسی و امنیتی و سازمان‌های تبلیغاتی صهیونیستی و سرمایه‌داری غرب، بهترین حربه برای نفی انقلاب و حمله به جمهوری اسلامی ایران و جلوگیری از رواج آن به عنوان یک الگو برای حکومت در دیگر کشورهای جهان بود» (همان: ۲۱۹).
- در یک دسته‌بندی کلی می‌توان داستان‌نویسان ایرانی را در هنگامه پیروزی انقلاب اسلامی و پس از آن، به سه گروه تقسیم کرد:
- «گروه نخست: گروهی که نویسندگی را پس از پیروزی انقلاب شروع کرده‌اند و شهرت و آوازه ایشان مربوط به قبل از انقلاب است.
- گروه دوم: گروهی که پیش از انقلاب، نام و نشانی نداشتند و در دوره انقلاب، دارای آوازه شدند.

گروه سوم: گروهی که در دوره انقلاب اسلامی متولد شده‌اند و با انقلاب بالیده‌اند و بعضی از آنان آثار ارزشمند و ماندگاری آفریده‌اند.

از میان این سه گروه، گروه نخست، جز تعدادی محدود، غالباً روی از پیروزی انقلاب اسلامی برگردانده‌اند اما گروه دوم، گروهی هستند که عموماً با انقلاب اسلامی، همراهی و سختی‌های راه را بر خود هموار کرده‌اند و بیشترین آثار را در حوزه ادبیات داستانی در دوره انقلاب اسلامی آفریده‌اند. ادبیات داستانی در سه دهه اخیر با همه توانایی‌ها و موفقیت‌هایی که کسب کرده، همچنان نیازمند توجه و تذکر است. جمع‌بندی منتقدان ادبی درباره ادبیات داستانی، حکایت از آن دارد که در مجموع، زبان داستانی این دوره در بعضی گفت و گوها به ویژه قهرمان داستان‌ها پختگی لازم نیافته، ساخت و پرداخت شخصیت‌ها و قهرمان‌ها قدرتمندانه نیست. انتخاب موضوعات غالباً آمیخته با احساسات است. توانایی لازم برای بهره‌برداری از حوادث بزرگ و بی‌ظیری مانند قیام ملت ایران، پیروزی انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و دفاع مقدس ایجاد شده است که سطحی‌نگری در آثار برخی از نویسندگان محسوس است» (خاتمی، ۱۳۹۰: ۱۴).

همچنین دوره داستان‌نویسی نوین فارسی بعد از انقلاب را دوره ناهمگونی در این زمینه می‌گویند. زیرا در این دوره، جریان‌های ادبی گوناگونی ایجاد شد که گاهی به کلی از هم متفاوت بود و گاه در برابر هم قرار می‌گرفت و همدیگر را نقض می‌کرد. حوادث و اتفاقات سریع و فاجعه‌باری که جامعه ایرانی بعد از انقلاب اسلامی تجربه کرد، درون‌مایه‌های داستان‌های این دوره را تشکیل می‌دهد. نویسندگان این دوره، به سه گروه قابل تقسیم هستند، گروهی که آثارشان متأثر از اسطوره‌ها و روایات دینی و وقایع سیاسی روز است، گروهی که در آثار خود از کیفیت‌های افراطی مدرنیستی و پسا مدرنیستی جهان الگوبرداری می‌کنند و گروهی که راه گذشتگان نام‌آور خود را می‌پیمایند و به دور از افراط و تفریط هستند (میرصادقی و میرصادقی، ۱۳۸۸: ۱۲۴).

ادبیات انقلاب اسلامی ضمن حفظ پیوند خود با سنت داستان‌نویسی ایرانی، رو به صنعت‌های نوین نگارش و مضمون‌های جدید آورد. عواملی چون وقوع انقلاب، جنگ و اوضاع سیاسی و اقتصادی پس از آن، سبب تغییر حساسیت‌های ادبی شد و باعث شد که ادبیات انقلاب اسلامی متمایز از سایر دوره‌ها باشد.

این نویسندگان با شروع جنگ تحمیلی در پایان تابستان ۱۳۵۹ «ادبیات جنگ» را پدید آوردند.

« تقریباً هیچ نویسنده‌ای نسبت به جنگ و پی‌آمدهایشان، بی‌تفاوت نماند به طوری که از ۱۳۵۹ تا ۱۳۷۳ بیش از ۲۵۸ نویسنده از زندگی روزانه در جبهه‌ها، عملیات نظامی، شکنجه در بازداشتگاه‌های دشمن، آشفتگی زندگی در مناطق غیرنظامی، جنگ شهرها و کشته‌ها و ویرانی‌ها، آوارگی مردم جنگ‌زده و تعارض‌های پدید آمده میان مهاجران و مردم شهرهای مهاجرپذیر نوشتند» (میرعابدینی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۸۸۹).

انقلاب و جنگ، به عنوان مهم‌ترین و مؤثرترین واقعیت‌های دهه‌های اخیر، بیش از هر موضوع دیگری، فکر و احساسات نویسندگان را برانگیخته؛ اگرچه تاکنون از حیث کمی و کیفی، داستان‌های «بزرگ» و قابل توجه نوشته نشده است (بهارلو، ۱۳۸۷: ۷۰).

نویسندگان بسیاری در زمینه داستان‌نویسی امروز ایران فعالیت می‌کنند و با انتخاب سبک‌های نگارشی متنوع، تلاش می‌کنند تا خود را از دیگران متمایز نمایند. مسائل اجتماعی امروز، مضمون‌های جدیدی را پیش روی نویسندگان قرار داده است و آنان برای آنکه از عهده نوشتن این مضامین برآیند، در پی یافتن زبانی غنی‌تر و صناعی کارآمدتر هستند و همین امر، ادبیات داستانی امروز را واجد خصلتی جست‌وجوگرانه کرده است.

« به خصوص ادبیات داستانی پس از انقلاب در شکل فراگیر و پرخواننده آن، بیشتر در هیأت داستان کوتاه، جلوه‌گر شده است» (رستگارفسایی، ۱۳۸۹: ۶۲۳).

بعد از پیروزی انقلاب اسلام، نویسندگان این عصر، بسته به میزان تعهد و بینششان به اسلام و انقلاب و کشور و خصایص فردی و شخصیتی، در برخورد با انقلاب و دفاع مقدس و مسائلی از این قبیل، عکس‌العمل‌های گوناگونی از خود نشان دادند. گروهی بی‌طرف شدند و حتی یک داستان کوتاه هم در این باره ننوشتند.

گروهی نیز وارد این عرصه شدند و داستان‌هایی با درون‌مایه‌های جنگ و ترسیم پایداری مردم در جنگ و ایثار نوشتند. از بین این طیف از نویسندگان، عده‌ای به مناطق جنگی سفر کردند و از جنگ نوشتند که برخی نیز با فاصله‌ای نزدیکتر و قبول خطر، جان خود را بر سر این کار گذاشتند و به فیض شهادت نائل شدند. مانند شهید کامبیز ملک شامران (نویسنده کتاب «می‌روم برای کرم‌ها لانه بسازم» و چندین قطعه دیگر)، شهید علیرضا شاهی (نویسنده کتاب «مادرم آسمان من است» و چندین داستان کوتاه دیگر)، شهید جعفر حسن بیگلر (که پیش از شهادت، چندین قصه کوتاه از او در نشریات به چاپ رسیده بود) سرشار، ۱۳۷۰: ۲۶.

در مقابل، عده‌ای از جناح مخالف بر طبق خواسته استکبار جهانی نوشتند و نگاهی منفی به انقلاب و جنگ داشتند.

برجسته‌ترین نویسندگان عصر انقلاب و جنگ که خود در میدان انقلاب و جنگ حضور داشتند و به ثبت لحظات خونین و به یادماندنی این ایام پرداختند عبارتند از: سید مهدی شجاعی که در آثارش بوی جنگ و ظلم‌ستیزی محسوس است، اکبر خلیلی که به مسأله رویدادهای انقلاب و جنگ پرداخته است، محسن مخملباف که وی را می‌توان نماینده نویسندگانی دانست که آثاری مبتنی بر جهان‌بینی اسلامی در تأیید باورهای نظام نوشته است.

از جمله مضامینی که در نثر نویسندگان انقلاب مطرح شده است، عبارتند از: بی‌توجهی به مادیات، دعوت به الهیات و فرمان‌های الهی، ستیز با استبداد و استعمار و بی‌عدالتی اجتماعی، مبارزه با کفر و الحاد، استقبال از شهادت و جهاد و مقاومت و ایثار در طول هشت سال دفاع مقدس.

در دوران انقلاب اسلامی، چاپ و نشر کتاب‌های طنز در مقایسه با طنز مطبوعاتی، کمتر دچار تنش‌های حاد بوده و روندی آرام و یکنواخت‌تر را طی کرده است. چاپ کتاب بیشتر تابع اقتصاد نشر بوده و آسیب‌پذیری اقتصاد نشر، به دلایل گوناگون از جمله مشکلات اقتصادی، ناشران را به پذیرش کمترین خطر در انتخاب مضمون و موضوع کتاب‌های طنز واداشته است؛ چنانکه بیشترین حجم از عناوین کتاب‌های انتشار یافته در زمینه‌های گوناگون شوخ‌طبعی، به گردآوری و تنظیم اختصاص دارد که بیش از یک سوم کتاب‌های طنز را شامل می‌شود و بخش تحقیق و تألیف ادبی، کمترین سهم عناوین کتاب‌های طنز را دارد. در بخش داستان و رمان، بیشتر کتاب‌ها در شمار فکاهی‌های اجتماعی و خانوادگی قرار دارند. در زمینه جنگ تحمیلی، بیشترین تلاش‌ها در گردآوری شوخ‌طبعی‌های رزمندگان در جبهه است و از کتاب‌هایی با عنوان طنز در اسارت که ثبت خاطرات آزادگان است، می‌توان نام برد (صدر، ۱۳۸۱: ۲۶۹-۲۷۰).

- نثر دفاع مقدس

دفاع هشت ساله ایران در برابر نظام استبدادی عراق و هم‌پیمانانش، از رویدادهایی است که تمامی شئون اجتماعی کشورمان را تحت‌الشعاع خود قرار داد و باعث به وجود آمدن دیدگاه‌ها، فرهنگ، ارزش‌ها و جهت‌گیری‌های خاصی در بین مردم شد. نثر فارسی نیز از این قاعده، مستثنی نیست و توانست خود را با ارزش‌های دفاع مقدس وفق دهد و همسو با آن تکامل یابد.

بنابراین «با شروع جنگ تحمیلی در پایان تابستان ۱۳۵۹، اولین نطفه‌های ادبیات جنگ به وجود آمد و با گذشت زمان و طولانی‌تر شدن جنگ، چاپ آثار متأثر از جنگ و تبعات آن، شتاب گرفت. به طوری که در سال‌های ۱۳۵۹ تعداد قصه‌های مربوط به جنگ، ۴۲ داستان بوده که همه آن‌ها در مجلات ادبی و نشریه‌ها به چاپ رسید و در سال ۱۳۶۰، ۱۰ داستان به صورت کتاب منتشر شد» (حداد، ۷۳: ۳۸).

نویسندگان دفاع مقدس از همان ابتدای شروع جنگ تحمیلی، شروع به نوشتن داستان‌هایی برای تقویت یا تهییج روحیه رزمندگان کردند.

«معمولاً در طول جنگ درباره داستان یا رمانی تبلیغ می‌شود که روحیه سلحشوری یا جنگ‌طلبی را در مردم تقویت کند حتی اگر ارزش معنوی نداشته باشد چرا که قرار است تأثیرمقطعی برجای بگذارد و قرار نیست با تکیه بر قدرت درونی خود که از ساختاری منسجم ناشی می‌شود، به زندگی طولانی ادامه دهد» (مؤدنی، ۱۳۷۳: ۴۷۴).

ادبیات دفاع مقدس یکی از زیرمجموعه‌های ادبیات پایداری است که با عنصر تعهد و محوریت مردم مظلوم حق طلب برای رسیدن به آزادی و عدالت واقعی که مشخصه جامعه آرمانی است، شکل می‌گیرد. در دوران دفاع مقدس، آثاری نوشته شده است که از آن به عنوان ادبیات دفاع مقدس یاد می‌شود. این آثار منظوم و منثور به لحاظ ساختار، درون‌مایه و مقاطع دفاع هشت ساله، قابل تقسیم بندی هستند و دو دوره دارد.

دوره نخست: شامل همه آثار ادبی که در طول هشت سال دفاع مقدس آفریده شده است.

«نخستین داستان دفاع مقدس با عنوان «سرباز» از میثاق امیر فجر در دوازدهم مهرماه ۱۳۵۹ در مجله سروش به چاپ رسید؛ این در حالی بود که هنوز دوازده روز از آغاز جنگ گذشته بود. نخستین کتاب داستان نیز با عنوان «خانه‌ای با عطر گل‌های سرخ» از اکبر سردوزامی در سال ۱۳۶۰ انتشار یافت و هنوز یک سال از شروع جنگ تحمیلی نگذشته بود» (سنگری، ۱۳۸۹: ۱۳۸۹).

«در دهه ۶۰ نگاه آرمان‌گرایانه و ستایش‌گرایانه محسوس‌تر است. توجه به مبانی ساختاری و ادبی، کمتر و فضای احساسی و عاطفی و گاه شعارزدگی پررنگ‌تر است.» (همان: ۱۹۰). «وجهه واقع‌گرایانه، از ویژگی‌های داستان‌های این دوره است. نگاه منفی به جنگ، کمتر مشاهده می‌شود» (حنیف، ۱۳۸۸: ۶۲).

«داستان‌های این دوره متأثر از حال و هوای ایام خاص جنگ و پیامدهای مثبت و منفی با موضوعاتی مانند شهادت، ایثار، اسارت، توصیف بمباران‌ها و شهرهای جنگ زده، آوارگان و مهاجران جنگی، جانبازان جنگ تحمیلی، بازگویی مسائل مربوط به

خانواده‌های شهیدان و جانبازان و آزادگان و حماسه‌آفرینی‌های رزمندگانی چون حسین فهمیده و ... پدید آمدند» (اکبری شلدره‌ای، ۱۳۸۲: ۱۸۲).

دوره دوم: به آثاری اطلاق می‌شود که پس از پایان جنگ تا به امروز به نگارش درآمده‌اند. در دهه هفتاد به دلیل اوضاع پس از جنگ، کمتر کسی به ادبیات دفاع مقدس اهمیت می‌دهد تا اینکه پس از فرمایش‌های مقام معظم رهبری در دهه هشتاد اولین جرقه‌ها زده می‌شود و شاهد پویایی و تکامل ادبیات دفاع مقدس هستیم مانند آثاری چون «دا»، «پای که جا ماند» و

در دوره دوم و پس از اتمام جنگ، زوایای پنهان‌تری از جنگ مورد توجه نویسندگان قرار گرفت؛ به طور کلی داستان‌های دوره دوم دفاع مقدس، عموماً به حاشیه‌های جنگ می‌پردازد، در مناطق غیرجنگی اتفاق می‌افتد و به بیان موضوعات تکان‌دهنده جنگ می‌پردازد.

«در دهه ۷۰ و ۸۰ مسأله جنگ و انسان برآمده از جنگ، مخصوصاً با محور قرار دادن شخصیت جانبازان همواره دغدغه اصلی نویسندگان دوره دوم است» (حنیف، ۱۳۸۸: ۶۲).

در همین راستا، اندیشمندان و محققان دیگری برای آثار نوشته شده در حیطه دفاع مقدس، تقسیم‌بندی‌هایی ارائه داده‌اند: الف) «داستان‌نویسی اوایل جنگ؛ که تنها به صورت خاطره نگاری و توصیف میدان‌های جنگ، از جان‌گذشتگی‌ها و دلاوری‌ها سربازان است و آثار ادبی این دوره، دارای فقر صنایع ادبی و مهارت‌ها و عناصر داستانی است. ب) دوره میانی؛ که از نیمه دوم دهه ۶۱ آغاز می‌شود و در این مرحله، کیفیت داستان‌ها از نظر شخصیت‌پردازی و نمایش جریان جنگ، پذیرفتنی است.

ج) دوره پس از جنگ؛ که در آن، بسیاری از نویسندگان به تحلیل روانکاوانه بیمارهای روحی ناشی از جنگ پرداخته‌اند و داستان‌ها پر از تک‌گویی‌های شخصیت‌های داستانی است و آثار فانتزی دور از باور بسیاری نگاشته شده است» (دیکلو، ۱۳۸۹: ۴۳).

برخی از نویسندگانی که آثار گران‌بهایی از خود بر جای گذاشتند، همان رزمندگانی هستند که بعد از پایان جنگ «اسلحه‌ها را کنار گذاشتند و چفیه‌ها را از گردن باز کردند و بلافاصله هم شروع کردند به نوشتن» (زاهدی مطلق، ۱۳۸۴: ۲۶). نه تنها در این جنگ، بلکه «در بسیاری از جنگ‌هایی که وطن مورد تجاوز بیگانگان قرار گرفته، نویسندگان و ادبای آن کشور، پا به پای رزمندگان و مدافعان به جبهه نبرد رفته‌اند و یا در صحنه دیگری به تهییج مردمشان پرداخته‌اند» (رحمان دوست، ۱۳۷۹: ۴۶۸).

محمد‌رضا سرشار در مورد تقسیم‌بندی نویسندگان دفاع مقدس می‌گوید:

دسته اول، عده‌ای که برای آشنایی و تماس هرچه نزدیکتر با مسأله جنگ، به مناطق جنگی سفرهایی کردند و از فاصله نزدیک، جنگ را لمس نمودند و قبول خطر کردند و حتی بعضی در این میان جان خود را بر سر این کار گذاشتند و به فیض شهادت نایل شدند که از آن‌ها می‌توان شهیدان؛ حبیب غنی‌پور، نویسنده کتاب‌های عمو سیدی و گل خاکی، علیرضا شاهی نویسنده کتاب مادرم آسمان است، عباس بروغنی (م. خوشدل) نویسنده کتاب محمد مین یاب و ... را نام برد.

دسته دوم، نویسندگانی بودند که برادرانشان در جبهه‌های جنگ یا بمباران شهرها، شهید یا جانباز شده بودند؛ مانند قاسمعلی فراست، مصطفی خرامان، مصطفی رحماندوست، مهرداد غفارزاده، محمد میرکیانی، احمد محمود و

دسته سوم، نویسندگانی بودند که در جبهه‌های جنگ حضور نداشتند اما جنگ و صحنه‌های مهیب آن را از طریق تصاویر و گزارش‌هایی که در صدا و سیما منعکس می‌شد، می‌شناختند و یا بر اساس خاطرات جنگ که توسط رزمندگان، جانبازان، آزادگان و ... بیان می‌شد، داستان‌های جنگی نوشتند (سرشار، ۱۳۷۰: صص ۲۶-۲۷).

بلقیس سلیمانی، نویسنده و پژوهشگر ادبیات داستانی دفاع مقدس نیز در این مورد می‌گوید: نویسندگان ما در برخورد با مسائل جنگ و دفاع هشت ساله این مردم، به سه نحو عکس‌العمل نشان داده‌اند:

۱- عده‌ای از نویسندگان که برای حرفه خود تعهد و مسئولیتی احساس می‌کردند و جنگ را میدانگاه ارزش‌های متعالی و انسانی می‌دیدند، وظیفه خود می‌دانستند تا ارزش‌های جنگ را در قالب اثر هنری به مردم نشان دهند. اینان به ادبیات اثر هنری چندان پایبند نبوده و آثار فنی و تکنیکی از خود به جا نگذاشته‌اند، بلکه به پیام و ارزش‌هایی که وظیفه بازنمونی و انتقال آن را بر عهده داشته‌اند، اهمیت داده‌اند و با قلمی ساده و صمیمی بدون پیچیدگی فنی، ارزش‌های جنگ و دفاع را به رشته تحریر درآورده‌اند. این نویسندگان به جنگ و تبعات آن به عنوان مرحله‌ای از تاریخ و زندگی مردم این سامان نگریسته و با ثبت وقایع جنگ در قالب داستانی، سعی داشته‌اند تا تاریخ درونی این مرحله خاص تاریخ را به نگارش درآورند.

- ۲- گروهی از نویسندگان، به جنگ به عنوان امری شگرف که حوادث آن استعداد پردازش داستانی داشته و جنبه‌های سرگرم‌کنندگی و جذابیت آن، می‌تواند خوانندگان زیادی را به خود جلب کند، پرداخته و با تلفیق حوادث شگرف آن با ملودرام‌های خانوادگی و عشقی، آثار میان‌مایه خلق کرده‌اند.
- ۳- گروهی از نویسندگان، به جنگ به مثابه امری انسانی که هستی و ابعاد آدمی در آن متجلی شده و شناخت و تحلیل ماهیت وجود آدمی در آن امکان‌پذیری بیشتری می‌یابد، پرداخته‌اند (سلیمانی، ۱۳۸۰: ۱۷-۱۸).
- نوع نگاه نویسندگان به مقوله جنگ دارای سه دیدگاه از سوی برخی دیگر از نویسندگان دفاع مقدس است: «برخی بیشتر تلخی‌های جنگ را نشان داده‌اند، برخی هیچ از تلخی یاد نکرده و جنگ را نعمتی قلمداد نموده‌اند که بروز آن، امکان ابراز رشادت‌هایی در راه خدا را فراهم آورده است و بعضی دیگر نگاهی بینابین داشته‌اند» (حنیف، ۱۳۸۶: ۲۰).
- مشهورترین داستان‌ها و رمان‌های گروه اول که نگاهی منفی به پدیده جنگ نوشته‌اند: زمستان ۶۲ و ثریا در اغما از اسماعیل فصیح، شب ملخ از جواد مجابی، محاق از منصور کوشان، ناگهان سیلاب از مهدی سبحانی، بالاتر از عشق از پری منصوری.
- برخی از آثار مثبت‌نگر به دفاع مقدس عبارتند از: نخل‌های بی‌سر از قاسمعلی فراست، پل معلق از محمدرضا بایرامی، سرود مردان آفتاب از غلامرضا عیدان، طلوع در مغرب از رنجبر گل‌محمدی، دل دلدادگی از شهریار مندنی‌پو.
- برخی از آثار که نگاهی بینابین دارند، بدین صورت هستند که با ارزش‌گذاری به دفاع از وطن و شهادت در راه آن، به آثار ویرانگر بعد از آن نگاهی منفی دارند. مشهورترین این آثار عبارتند از: زمین سوخته از احمد محمود، هلال پنهان از علی‌اصغر شیرزادی، خانه سفید از یعقوب آژند.
- آنچه در نثر دفاع مقدس مستندتر و واقعی‌تر است و جان‌مایه مضامین آن، از نظر رنگ پایداری چشمگیر است، خاطرات رزمندگان است که نقش بسزایی در القای مفاهیم پایداری در مخاطب دارند.
- «هر چه از دوران دفاع مقدس ملت ایران می‌گذرد، نیاز به ثبت و ضبط خاطرات آن سال‌ها بیشتر می‌شود؛ خاطراتی که بی‌تردید بر غنای فرهنگی این مرز و بوم خواهد افزود و هویت تاریخی این دیار را برجسته خواهد کرد» (فروغی چهارمی، ۱۳۸۶: ۱۴۴).
- از این گونه آثار می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
- شب‌های بمباران، افطار خون، خاطرات سال‌های نبرد، خداحافظ کرخه، پنجه ببر، درخت بلوط و ...
- واقعی و مستند بودن خاطره‌نگاری، موجب جذابیت بیشتر و القای ارزش‌ها و مفاهیم آن در بینش مخاطب می‌شوند.
- «جنگ هشت ساله ایران و عراق - که به درستی از آن با عنوان «جنگ تحمیلی» و «دفاع مقدس» یاد کرده‌اند - از جهت بازتاب آن در آثار ادبی و هنری این دوره حائز اهمیت و توجه فراوان است. آن هنگام که جنگ ناخواسته و بی‌هنگام آغاز شد، کمتر کسی گمان می‌داشت که انعکاس حوادث گوناگون این واقعه بتواند در عرصه ادب و فرهنگ، تاریخ تحول یک جامعه، یعنی انقلاب را به مقابله‌ای خونریز و فراگیر به نام جنگ بپیوندد و نتیجه آن به خلق و پیدایی معارف و اندیشه‌های بدیع بینجامد.
- اگرچه در واقع و ظاهر، جنگ ناخوشایند و خونبار می‌کرد، در باطن و روان پیکارگران این عرصه، جان‌مایه‌ای از سلوک و معرفت داشت؛ معرفتی که به نیایش و راز و پیکار و خون و اسارت و شهادت، شکست و پیروزی، چهره‌ای یگانه - و البته مستور - از جنگ را در منظر شاهدان آن ترسیم می‌کرد.
- «پس از استقرار و حضور رزمندگان در نقاط تماس و درگیری با دشمن و آغاز جنگ و پیدایی جامعه رزمنده، اندک اندک «خاطره‌گویی» و «خاطره‌نویسی» به سان اولین نوع واکنش و ارتباط فرهنگی رزمندگان چهره کرد و از آن پس، ثبت و نگارش و انتشار آن در جراید آغاز گردید. در یک نگاه کلی، مجموعه‌های موجود خاطرات مکتوب جنگ از جهت رجوع و بهره‌دهی در سه شکل، قابل احصا و بررسی توانند بود: صورت نخست، شامل خاطراتی می‌شود که در نشریات ادواری (مجله‌ها و روزنامه‌ها/مدارک غیرکتابی) چاپ و منتشر شده‌اند. نوع دوم، کتاب‌هایی هستند که مجموعه خاطرات رزمندگان یا تنها خاطره یک رزمنده را دربرمی‌گیرند. شکل سوم، خاطراتی هستند که از طریق مصاحبه‌های شفاهی (غالباً یا گردآوری دفترچه‌های یادداشت و خاطرات رزمندگان فراهم آمده‌اند و حجم انبوه و فراوان در مراکز اسناد و بایگانی نهادهای انقلاب مانند جنگ سپاه و یا در بایگانی اسناد جنگ ارتش تحت عنوان تاریخ شفاهی جنگ نگهدار «ثبت وقایع» واحد می‌شوند» (کمری، ۱۳۸۳: ۵۰-۵۲).
- نمونه‌های از گونه‌های دیگر نثر دفاع مقدس:
- رمان: سفر به گرای ۲۷۰ درجه از احمد دهقان، شطرنج با ماشین قیامت از حبیب احمدزاده، بیوتن از رضا امیرخانی، زمانی برای بزرگ شدن از محسن مؤمنی، پسران جزیره از حسین فتاحی، بر بال فرشته از حمید نوایی لواسانی، پل معلق از

محمدرضا بایرامی، مهمان مهتاب از فرهاد حسن زاده، زمین سوخته از احمد محمود، ترکه‌های درخت آلبالو از اکبر خلیلی، دل دلدادگی از شهریار مندنی پور، سرد سفید از کاوه بهمن و ...

داستان بلند: مانند آوای پرستو از علی اکبر والایی، طعم تلخ خرما از مهناز فتّاحی، و این صدای جنگ از محمدرضا بایرامی، در سوگ سهراب از جعفر ابراهیمی، آتش در خرمن و ...

داستان کوتاه: صدای پنجره از مصطفی رحمان دوست، روزهای امتحان از فریدون عموزاده خلیلی، دو کبوتر دو پنجره یک پرواز از سیدمهدی شجاعی و ...

قصه: سفرهای سالار و صبا از محسن دوازده امامی، اسم من چفیه است از مرتضی سرهنگی و ...

قصه‌های طنز: اکبر کاراته از محسن صالحی حاجی آبادی و ...

قصه‌هایی که بر اساس خاطرات و زندگینامه رزمندگان نوشته شدند: مجموعه قصه‌های شهر جنگی از حبیب احمدزاده و ...

از دیگر گونه‌ها می‌توان به سفرنامه‌ها مانند سفر به جنوب، دیداری از جبهه آتش و خون اشاره کرد.

- نثر پایداری و عناصر آن در دوران انقلاب اسلامی

بعد از شکست حکومت پهلوی دوم، بسیاری از باورها و بنیان‌های فکری و مذهبی ادبیات فارسی که مدتی در خلا و سکون به سر می‌بردند، دوباره جانی تازه گرفتند و انقلاب ادبی نیز در راستای انقلاب اسلامی روی به کمال آورد و شاهد تحوّل عظیم در سطوح فکری و زبانی متون ادبی هستیم. برای مثال واژه‌های چون (ایمان، قیام، ایثار، شهادت، مقاومت و غیره) در بستر متون ادبی رواج یافت و مضامینی نیز چون (ستم‌ستیزی، کمک به مستضعفان و مظلومان، انسان‌دوستی، شهادت‌طلبی و غیره) سرلوحهٔ بینش ادیبان قرار گرفت. در جریان انقلاب اسلامی و دفاع مقدّس، نویسندگان زیادی دوره‌ای جدید را در تاریخ ادبیات رقم زدند و آثار آنان توانست در پر رنگ کردن ادبیات پایداری مکمل یکدیگر باشد.

«اگر چه از دیدگاه محققان، بین ادبیات انقلاب و جنگ، اختلاف است، اما فاصله کوتاه بین انقلاب و جنگ (۱۹ ماه) مبنای فکری و اندیشه انقلاب اسلامی را سرفصل و سرمنشأ ادبیات دفاع مقدّس قرار داده است» (اکبری شلدراهی، ۱۳۸۲: ۱۸۰).

«بعد از به بار نشستن اهداف انقلابی مردم، آنچه‌ای که اقتضای انقلابی با چنین ابعاد عظیم بود، موجی تازه در ادبیات داستانی به وجود آمد. به این ترتیب زیر تأثیر تحوّل بنیادین که در همه مبانی مادی و معنوی کشور رخ می‌داد، معدودی از نویسندگان نسل پیشین و جمعی از نویسندگان نسل انقلاب بر آن شدند تا ضمن بهره‌گیری متناسب از همه فنون تجربه شده در عرصهٔ ادب داستانی و جهانی، به کنکاش در میراث‌های کهن داستانی و ملی و دینی خود نیز بپردازند و از ترکیب حساب شدهٔ آن شگردها، گونه‌های داستان ایرانی را پی بریزند. آنان در این راه، از مکتب‌های وارداتی دوری گزیدند و سعی داشتند مردم و جامعه خود را بی‌واسطه ببینند. بر همین اساس بود که به تدریج گونه‌های جدید از واقع‌گرایی که از مادیات فراتر می‌رفت، به وجود آمد که می‌شد آن را نقطهٔ آغازین واقع‌گرایی الهی یا اسلامی دانست» (سرشار، ۱۳۹۰: ۴۳-۴۴).

بنابراین ادبیات پایداری بعد از انقلاب اسلامی که به رهبری امام خمینی (رحمة الله علیه) صورت پذیرفت، توانست رنگ عرفانی به خود گیرد زیرا خود امام که سمبل آزادی و مبارزه با ظلم هستند، عارف بودند. قیام امام خمینی با عرفان، پیوند عمیقی داشت و دفاع مقدّس از آن جهت که با عرفان همسو بود، نام مقدّس را به خود گرفت. شهید آوینی دربارهٔ رابطهٔ عرفان و مجاهدت در راه خدا این چنین می‌فرماید:

«وقتی طبل جهاد در راه خدا نواخته می‌شود، دوران حکومت عشق آغاز می‌شود چرا که جز عشاق، کسی حاضر به فداکاری و از جان گذشتگی نیست. دوران جهاد، دوران حکومت عشق است؛ نگویید دوران جنگ، بگویید دوران جهاد در راه خدا و خدا هم این جام بلا را جز به بهترین بندگان خویش نمی‌بخشد، جام بلاست و جز به اهل بلا نمی‌رسد» (گنج بخش، ۱۳۸۷: ۴۳۶).

بنابراین رنگ ادبیات پایداری در نثر بعد از پیروزی انقلاب اسلامی برجستگی مخصوص به خود را دارد زیرا شاهد بزرگترین تحوّل در مضامین هستیم و آن هم ورود مضامین انقلابی با رنگ دینی و دفاع مقدّس.

«ادبیات داستانی شبه‌روشنفکری قبل از انقلاب با وجود اینکه آثار گوناگونی خلق کرده بود اما مملوّ از خودباختگی‌ها و وابستگی‌ها شده بود که هویت مستقلی نداشت. در حالی که آثار متفاوتی در این دوران به وجود آمد، اما هیچ تأثیرگذار نبود و نمی‌توانست موج جدیدی ایجاد کند» (همان: ۴۱).

چراکه سراسر تقلید و گرت‌برداری بود. اما با پیروزی انقلاب اسلامی، موجی جدید در ادبیات داستانی به وجود آمد که تحوّل بنیادی در این راستا ایجاد کرد؛ مضامین و درون‌مایه‌های متفاوتی وارد ادبیات داستانی شد، به انسان به عنوان محور اصلی امور (اومانستی) نگاه نمی‌شد، پایه همه امور خدا بود، فرصت اندیشیدن، به همه افراد جامعه داده شد، مباحث معنوی و عرفانی دوباره مورد توجه قرار گرفت.

انقلاب اسلامی به ویژه در سال‌های نخست پیروزی خود، موجد تحوّل‌ی اساسی در بین مردم شد. دیگر، همچون گذشته، داستان‌های سست و مبتذل پلیسی یا داستان‌های احساسی نمی‌توانست مردم را راضی کند و نویسندگان نیز در خود رشد و تعالی ایجاد کردند. در نتیجه نوعی وارستگی و برابری در مضامین و محتوای داستان‌ها به وجود آمد. در این دوره، تحوّل‌ی که در جامعه و ادبیات داستانی به وجود آمد، به قدری گسترده بود که حتی افرادی که عقایدشان مطابق با اهداف انقلاب نبود، در داستان‌هایشان از این امر یاد کردند.

«عواطف دینی انقلاب به صورت موجی عظیم، در مواردی نویسندگان لائیک را نیز در بر گرفت و بعضی از آن‌ها کوشیدند به قسمی گوشه‌ای از رویدادهای انقلابی را در قصه‌های خود نشان دهند» (همان: ۳۶).
اولین داستان‌ها با درون‌مایه انقلاب اسلامی، در سال‌های اولیّه انقلاب نوشته شد. مانند: «گنج‌بران» نوشته کاظم جبرودی، «آدم‌های سنگی» به قلم کامران رحیمی، «این سال‌ها» نوشته هوشنگ عاشورزاده و «زندانی» نوشته داریوش کارگر که همگی راجع به انقلاب و حوادث پیرامون آن هستند و وظیفه خود را در ادبیات پایداری، با به ترسیم کشیدن این رویدادها، ادا می‌کنند.

۳- نتیجه‌گیری

با بررسی نثر فارسی در دوران انقلاب اسلامی مشخص می‌شود که در اوایل دهه شصت بحث شکل‌گیری و بلوغ ادبیات پایداری در حوزه جنگ است. در این دهه، هر چند با وقوع جنگ تحمیلی، ادبیات انقلاب اسلامی، با کم‌توجهی ادیبان رو به‌رو شد، اما با دو ژانر جدّی در عرصه ادبیات مواجه هستیم؛ ادبیات پایداری و ادبیات مذهبی. همان‌طور که گفتیم، نثر پایداری به طور جدّی با خصلت مبارزه‌جویی، از دهه پنجاه شروع شده بود و در دهه اول پس از جنگ، در اغلب داستان‌ها، رویکرد سیاسی و اجتماعی به خود گرفت و وضعیتی پیش آمد که برخی نویسندگان، تجربه‌های شخصی را در حیطه نثر ادبی خود آوردند. برخی از آنان، روایتشان را از جامعه، واقعی و در چارچوب مسائل اجتماعی و متفاوت با قبل و همسو با تکنیک‌های تازه نوشته شدند. رشد ادبیات دفاع مقدّس، در ایام پس از جنگ، بیشتر از سایر ژانرها است. عمده‌ترین ویژگی همه این آثار، تعهد است که مخاطبان زیادی را به سوی خود جلب کرده است و همگی متکی بر تعهد اجتماعی و آرمان‌گرایی انقلاب اسلامی هستند. ادبیات انقلاب اسلامی، در وهله اول، به انقلاب و در وهله دوم، به پس‌زمینه‌های خیزش انقلابی مردم، متعهد است. اغلب آثار در این دوران، واقع‌گرا و با توجه به مناسبات اجتماعی جامعه معاصر ایران نوشته شده‌اند. این گونه آثار بعد از انقلاب، توانست هویت ایرانی، ملی و مذهبی را تقویت کنند و از نظر القای مفاهیم دینی در جامعه، تحول ایجاد کند. نقش دیگر این گونه آثار، در ماندگاری رویدادهای تاریخی انقلاب اسلامی است. نویسندگانی که در زمینه جنگ، آثاری نوشته‌اند، خالصانه و صادقانه به بیان احساسات خود پرداخته‌اند. شاید بتوان گفت که مهمترین کارکرد نثر پس از انقلاب، منعکس ساختن شور و احساس حاکم بر جامعه بود. به خصوص موضوعات مربوط به جنگ که نویسندگان، با بیان شگفتی‌ها، قهرمانی‌های رزمندگان اسلام و غیره، روحیه حیات و سرزندگی را در انسان می‌دمند. نویسندگان دوران انقلاب اسلامی، خود را با انقلاب و رهبرکبیر انقلاب و اهداف ناب اسلامی همسو کرده‌اند و استعداد خود را در جهت رشد و شکوفایی این مرز و بوم به کار برده‌اند و برای تقویت این نظام و ادای دین به این مملکت، با تمام توان وارد عرصه شدند. بعد از پایان جنگ نیز برخی نویسندگان نگاه گذشته‌گرایانه به ادبیات پایداری دارند و به تجربه جنگ و انقلاب، نگاهی تبیین‌گرایانه و فلسفی دارند.

منابع و مراجع

- ۱- اکبری شلدراهی، فریدون. (۱۳۸۲). درآمدی بر ادبیات داستانی پس از انقلاب اسلامی. چاپ اول. تهران: چاپ مرکز اسناد انقلاب.
- ۲- بهارلو، محمّد. (۱۳۸۷). داستان کوتاه ایران. تهران: طرح نو.
- ۳- تسلیمی، علی. (۱۳۸۸). گزاره‌هایی در ادبیات معاصر ایران. تهران: کتاب مه.
- ۴- حنیف، محمّد. (۱۳۸۶). جنگ از سه دیدگاه. تهران: نشر صریر.
- ۵- حنیف، محمّد، حنیف، محسن. (۱۳۸۸). کند و کاوی پیرامون ادبیات داستانی جنگ و دفاع مقدّس. تهران: بنیاد نشر و حفظ ارزش‌های دفاع مقدّس.
- ۶- خاتمی، احمد. (۱۳۹۰). گزیده مقالات و گفت‌وگوهای کتاب ماه درباره انقلاب اسلامی. تهران: خانه کتاب.
- ۷- دستغیب، عبدالعلی. (۱۳۸۱). کالبدشکافی رمان فارسی. تهران: سوره مهر.

- ۸- _____ (۱۳۷۶). به سوی داستان‌نویسی بومی. تهران: حوزه هنری.
- ۹- رستگار فسایی، منصور. (۱۳۸۹). انواع نثر فارسی. تهران: سمت.
- ۱۰- سرشار، محمدرضا. (۱۳۹۰). ادبیات داستانی ایران پس از انقلاب اسلامی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۱۱- _____ (۱۳۷۰). نیم‌نگاهی به هشت سال قصه‌ جنگ. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۱۲- _____ (۱۳۷۳). کدام درست است؟ چاپ اول. تهران: برگ.
- ۱۳- سلیمانی، بلقیس. (۱۳۸۰). تفنگ و ترازو. تهران: روزگار.
- ۱۴- سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۹). ادبیات دفاع مقدس. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- ۱۵- _____ (۱۳۸۰). نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس. چاپ اول. تهران: انتشارات پالیزان.
- ۱۶- صبور، دانش. (۱۳۸۴). از کاروان حله. تهران: انتشارات صبور.
- ۱۷- صدر، رؤیا. (۱۳۸۱). بیست سال با طنز. تهران: هرمس.
- ۱۸- فروغی جهرمی، محمّدقاسم. (۱۳۸۶). گامی در جهت علمی شدن خاطره‌نویسی. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- ۱۹- _____ (۱۳۸۹). مقاله‌ها و مقوله‌ها: بررسی ادبیات دفاع مقدس. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- ۲۰- کمری، علیرضا. (۱۳۸۳). با یاد خاطره (درآمدی بر خاطره‌نویسی و خاطره‌نگاشته‌های پارسی در تاریخ ایران). جلد اول. تهران: سوره مهر.
- ۲۱- _____ (۱۳۷۳). درآمدی بر خاطره‌نویسی و خاطره‌نگاشته‌ها در گستره ادب و مقاومت و فرهنگ جبهه. تهران: دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری.
- ۲۲- مؤذنی، علی. (۱۳۷۴). ملاقات در شب آفتابی. تهران: نشر قدیانی.
- ۲۳- میرصادقی، جمال و میرصادقی، میمنت. (۱۳۸۸). واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی. تهران: مهناز.
- ۲۴- میرعابدینی، حسن. (۱۳۸۶). صدسال داستان‌نویسی ایران. (دوره چهار جلدی). تهران: چشمه.
- ۲۵- یاحقی، محمّدجعفر. (۱۳۷۸). جویبار لحظه‌ها (جریان‌های ادبی معاصر). تهران: جامی.
- مقالات**
- ۲۶- حداد، حسین. (۱۳۷۳). «نگاه آماری به قصه‌های جنگ». ادبیات داستانی. شماره ۲۴. ص ۳۸-۴۸.
- ۲۷- دیکلو، نازلی. (۱۳۸۹). «بررسی مقایسه‌ای ادبیات جنگ و ساختار آن در کشور ایران و فرانسه». کتاب ماه ادبیات. شماره ۱۶۰. صص ۴۶-۴۲.
- ۲۸- رحمان دوست، مجتبی. (۱۳۷۹). «رمان مقاومت»، منابع، مضامین و بایدها. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. شماره ۱۵۶. صص ۴۸۵-۴۶۵.
- ۲۹- سرشار، محمدرضا. (۱۳۷۳). «مروری بر وضعیت ادبیات داستانی پس از انقلاب اسلامی». ادبیات داستانی. شماره ۲۹. ص ۲۱-۱۰.
- ۳۰- سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۵). «ادبیات پایداری». فصلنامه شعر. شماره ۲۶. صص ۱۸-۱۹.
- ۳۱- گنج‌بخش، مسعود. (۱۳۸۷). «مروری بر مشخصه‌های فرهنگ پایداری». مجموعه مقالات نامه پایداری. به کوشش دکتر احمد امیری خراسانی. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس. شماره یک. صص ۴۴۱-۴۳۰.
- ۳۲- مؤذنی، علی. (۱۳۷۳). «نقش ادبیات داستانی در تبیین و تثبیت ارزش‌های جنگ». مجموعه مقالات سمینار بررسی رمان جنگ. کرمانشاه: بنیاد جانبازان انقلاب اسلامی ایران. شماره یک. ۴۶۵-۴۷۸.